

برنام‌حدا

کلیدهای تربیت کودکان و نوجوانان

راهنمای بهبود روابط
خواهر و برادرها

نویسنده:

پت اسپانگین و ویکتوریا ریچاردسون

مترجم:

سارا رئیسی طوسی

فهرست مطالب

..... ۵	سخن ناشر
..... ۷	فصل اول: خون می‌کشد
..... ۲۱	فصل دوم: آمادگی برای پذیرفتن عضو جدید خانواده
..... ۳۷	فصل سوم: بالاخره به خانه برگشتیم!
..... ۵۰	فصل چهارم: داد و بیداد و درگیری، چنگ زدن و گاز گرفتن
..... ۶۹	فصل پنجم: پایان بخشیدن به دعوا و درگیری
..... ۸۸	فصل ششم: رقابت هم‌شیرها
..... ۱۰۳	فصل هفتم: مقایسه کردن، برچسب زدن و فرق گذاشتن
..... ۱۳۴	فصل هشتم: شرایط ویژه
..... ۱۴۶	فصل نهم: برادرهای ناتنی و خواهرهای ناتنی بدجنس
..... ۱۵۷	فصل دهم: چگونه آموختم که به دعوا کردن با برادرم خاتمه بخشم و به او علاقه‌مند شوم
..... ۱۶۸	فصل یازدهم: شکل گرفتن پیوند

سرشناسه	: اسپانگین، پت
عنوان و پدیدآور	: راهنمای روابط خواهر و برادرها/ نویسنده پت اسپانگین، ویکتوریا ریچاردسون؛ مترجم سارا رئیسی طوسی
مشخصات نشر	: تهران: صابرین، ۱۳۸۶.
مشخصات ظاهری	: ۱۷۶ ص.: مصور.
شابک	: 978-964-2785-02-5
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
یادداشت	: عنوان اصلی: The parentalk guide to brothers and sisters
موضوع	: رفتار والدین.
موضوع	: خواهران و برادران
شناسه افزوده	: ریچاردسون، ویکتوریا
شناسه افزوده	: Richardson, Victoria.
شناسه افزوده	: رئیسی طوسی، سارا، ۱۳۴۶ - مترجم.
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۸۶ ر ۲ الف / ۹۶ / ۷۵۹ HQ
رده‌بندی دیویی	: ۶۴۹ / ۱۴۲
شماره کتابخانه ملی	: ۱۰۳۴۵۹۶



کتابهای دانه

موسسه انتشارات صابرین ۸۸۹۶۸۸۹۰

راهنمای بهبود روابط خواهر و برادرها
پت اسپانگین و ویکتوریا ریچاردسون

مترجم	سارا رئیسی طوسی
ویراستار	علی خاکبازان
اجرای طرح جلد	علیرضا ابراهیمی
تعداد	۵۰۰۰
چاپ اول	۱۳۸۶
لیتوگرافی	کارا
چاپ جلد	اکسیر
چاپ متن و صحافی	امیدوار

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۷۸۵-۰۲-۵

ISBN: 978-964-2785-02-5

حقوق ناشر محفوظ است.

قیمت ۲۲۰۰ تومان

سخن ناشر

خواننده محترم، کتابی که پیش رو دارید، یک جلد از کلیدهای تربیت کودکان و نوجوانان است.

کتابهای این مجموعه با وجود ارتباط موضوعی، هرکدام از نظر مطلب مستقل هستند. آمادگی برای زایمان، روشهای مناسب و صحیح شیر دادن، تولد فرزند دوم، نقش پدر در تربیت کودک، پرورش کودک تیزهوش، آموختن به کودکان درباره خدا، سلامت جنسی در کودکان و نوجوانان، پرورش فرزندان امیدوار و موفق، کلیدهای رفتار با نوجوانان و نیز مطالب متنوع و جالب دیگری که به روشها و مشکلات تربیتی کودکان و نوجوانان تا سنین بلوغ می پردازد، موضوع کتابهای این مجموعه را تشکیل می دهند.

روش نویسندگان این کتابها، آموزش شیوههای عملی به والدین است. در نتیجه، هرکتاب از فصلهای متعددی تشکیل شده است که هر فصل به توضیح یک روش کلیدی می پردازد. مجموعه کلیدهای تربیت کودکان و نوجوانان، علاوه بر پشتوانه علمی و معتبر خود، از زبانی ساده برای توضیح مطالب و انتقال آنها به خواننده استفاده کرده است که برای عموم مادران و پدران جوان قابل استفاده خواهد بود.

خون می کشد

صلح برقرار شده است

آنجا نشسته اند. پسر دوازده ساله و خواهر ده ساله اش آرام و راحت، مثل یک زوج پیر تلویزیون تماشا می کنند و با هم درباره وقایع یک سریال تلویزیونی صحبت می کنند.

اما فقط ده دقیقه پیش بود که بازهم مانند یک زوج پیر بر سر اینکه چه کسی کنترل تلویزیون را در دست بگیرد، طبق عادت قدیمشان دعوا می کردند. قدر مسلم آن مشکل به شکل رضایت بخشی حل شده و روابط عادی دوباره بین آنها برقرار شده است.

واقعیتی درباره هم شیرها^۱

اغلب بچه ها در جمع خواهرها و برادرهایشان بزرگ می شوند. هر کودک چهار- پنج ساله ای معمولاً دو برابر زمانی را که با مادرش صرف می کند، در کنار هم شیرهای خود می گذارند.

خواهرها و برادرها با هم رابطه بسیار پیچیده ای دارند و از هم چیزهای زیادی می آموزند. وقتی خواهرها و برادرها را تماشا می کنم به

۱. در این کتاب منظور از هم شیرها، خواهر و برادر تنی یا خواهر و برادری است که از یک مادر هستند.



این فکر می‌افتم که به قدر کافی به رابطهٔ بین آنها اهمیت نمی‌دهیم. از این امر تعجب می‌کنم، زیرا می‌بینم اغلب بچه‌ها زمان بیشتری را با هم شیرهای خود می‌گذرانند تا با والدینشان. بیشتر مطالبی که دربارهٔ این رابطه نوشته‌اند منفی است. تا کسی می‌گوید «هم‌شیر» به یاد «رقابت» می‌افتیم. نوزاد جدید؟ ای وای! فرزند بزرگ‌تر حسادت نمی‌کند؟

در عین حال از نیمه پُر لیوان کمتر چیزی می‌شنویم. مثلاً از کودک مضطرب شش ساله‌ای که در هفتهٔ اول مدرسه در حیاط ایستاده و خوشحال است که برادر بزرگ‌ترش هوای او را دارد. یا از کودک هشت ساله‌ای که دیگر از تاریکی نمی‌ترسد چون از حالا با برادر بزرگ‌ترش اتاق مشترکی دارد. یا از پسرهای پانزده ساله‌ای که از بخت خوبشان خواهر دارند و برخلاف دوستانشان از صحبت کردن با دخترها نمی‌ترسند!

«بیایید پشت هم باشیم...»

من و همسرم چند روز پیش با سه فرزندمان شام خوردیم. این روزها چنین اتفاقی کم می‌افتد، زیرا دو تا از آنها دانشجو هستند و یکی هم شاغل. خیلی خوش گذشت، می‌گفتیم و می‌خندیدیم و سر به سر شوهرم می‌گذاشتیم و لذت می‌بردیم. شوهرم که هر سه فرزندمان را دور یک میز می‌دید به هیجان آمد و گفت: «امیدوارم وقتی بزرگ‌تر شدید ارتباطتان با هم قطع نشود. خون می‌کشد. امیدوارم هر وقت به کمک نیاز داشتید، به سراغ هم بیایید و نسبت به هم مثل غریبه‌ها نشوید.»

نکته‌ای مهم: به فرزندانتان کمک کنید پیوندهای محکمی را با هم برقرار کنند که تا آخر عمرشان باقی خواهد ماند.

رابطه بین خواهرها و برادرها همیشه راحت و همراه با همدلی نیست، اما همیشه برقرار است. بسیاری از افراد، هنگامی که دچار بحران می‌شوند، ابتدا به برادر یا خواهر خود رو می‌آورند، حتی اگر رابطهٔ چندان خوبی نیز با هم نداشته باشند. اگر این گفته درست باشد که «خانه جایی است که وقتی به آنجا می‌روی، ناچارند تو را راه بدهند»، پس «خواهر و برادر هم وقتی به آنها رو می‌کنی ناچارند از تو دستگیری کنند».



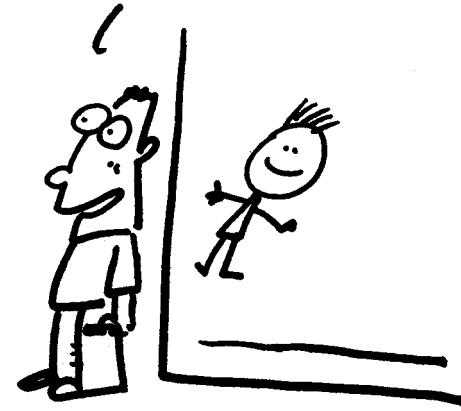
آنچه برادرها و خواهرها از هم می‌آموزند

او الگوی رفتاری من است!

از پنجرهٔ آشپزخانه آنتیای دوساله را می‌بینم که برادر بزرگ‌ترش، بن، را در حیاط دنبال می‌کند. آنتیا حرکات بن را چون شاگردی وفادار تقلید می‌کند. وقتی بن ماشین اسباب‌بازی خود را به این طرف و آن طرف هل می‌دهد و «قام قام» می‌کند، آنتیا با دقت تماشا می‌کند و سپس ماشین خود را راه می‌برد. بن بلند می‌شود تا چیزی را که روی یک بُته قرار دارد بررسی کند، آنتیا هم بلند می‌شود و به همان دقت نگاه می‌کند. بن در

حالت ایستاده، رو به دیوار حیاط جیش می‌کند؛ اما همیشه که نمی‌توان همه کارهای برادر بزرگ‌تر را تقلید کرد!

دوست دارم از
برادر بزرگ‌ترم تقلید کنم.
ببین... همین الان عکسش را
روی دیوار کشیدم.



بچه‌های کوچک از طریق تقلید کردن می‌آموزند. اگر خواهر بزرگ‌تر سر میز بنشیند و درست غذا بخورد، خودش دندانهایش را مسواک بزند و پالتویش را خودش آویزان کند، برادر کوچک‌ترش هم به پیروی از او همین کار را می‌کند.

نکته‌ای مهم: از طریق تقلید کردن، برادرها و خواهرهای کوچک را تشویق کنید تا عاداتهای خوب کسب کنند.

بچه‌های کوچک‌تر علاوه بر مهارت‌های عملی چیزهای دیگری نیز از هم‌شیر بزرگ‌تر خود می‌آموزند. درصد زیادی از بچه‌هایی که پیش از ورود به کلاس اول دبستان اعداد و حروف الفبا را بلد هستند، این چیزها را از هم‌شیر بزرگ‌تر خود و معمولاً هنگام مدرسه بازی آموخته‌اند.

نکته‌ای مهم: بهترین روش برای اینکه فرزندان تعامل با بچه‌های دیگر را بیاموزند، این است که از تعامل با هم‌شیرهای خود شروع کنند.

از طرفی بین خواهر و برادرها نوع دیگری از یادگیری نیز شکل می‌گیرد که روان‌شناسان به آن یادگیری اجتماعی می‌گویند. آنها می‌آموزند که چگونه با افراد دیگر برخورد کنند. همه بچه‌ها می‌آموزند که چگونه با والدینشان ارتباط برقرار کنند، اما تنها کودکانی که خواهر و برادر دارند یک دوره آموزشی فشرده را درباره نحوه کنار آمدن با بچه‌های دیگر می‌گذرانند.

نتایج گذراندن این دوره نیز مشخص است: بچه‌هایی که خواهر یا برادر دارند - به ویژه آنهایی که خواهر یا برادر بزرگ‌تر دارند - هنگام ورود به دبستان با هم بهتر بازی می‌کنند، بیشتر سؤال می‌پرسند و اجتماعی‌تر هستند. اگر هم‌شیر دارید، نمی‌توانید از این واقعیت فرار کنید. باید هرطور شده راه‌حلی پیدا کنید. هم‌شیرها شش مهارت مهم را به هم می‌آموزند.

مهارت اول: شراکت

«این مال منه!»

یک دستگاه تلویزیون و دو کودک که می‌خواهند برنامه‌های مختلفی را تماشا کنند.

البته می‌توانند مشکل را با دعوا کردن حل کنند، اما سر و صدایشان باعث می‌شود یک بزرگ‌تر بیاید و تلویزیون را خاموش کند. آنگاه دیگر هیچ‌کس نمی‌تواند برنامه‌مورد علاقه‌اش را تماشا کند. پس از آنجایی که مشکل را نمی‌توان با زور حل کرد، بهتر است از طریق توافق به راه‌حل برسند. این راه‌حل باید برای هر دو طرف عادلانه باشد، در غیر این صورت دعوای دیگری سر می‌گیرد. برای رسیدن به راه‌حلی که کمابیش همه را راضی کند، برادرها و خواهرها باید شراکت را بیاموزند.

آموختن شراکت یعنی آموختن هنر دادن و گرفتن و آموختن مهارت مذاکره کردن. هم شیرهای کوچک‌تر می‌آموزند که از حق خود دفاع و برای خواسته خود تلاش کنند. هم شیرهای بزرگ‌تر می‌آموزند که حق لزوماً با کسی نیست که زور بیشتری دارد. آنها می‌آموزند که دیگران نیز حقوقی دارند که باید محترم شمرده شود.

در خانه ما بر سر تماشای تلویزیون روشی پیچیده و اسرارآمیز شکل گرفته بود. چه کسی کنترل تلویزیون را در دست بگیرد و تا چه مدتی می‌تواند آن را نگه دارد؟ آیا می‌تواند کانال را هنگام پخش آگهی‌های بازرگانی عوض کند؟ آیا کسی که می‌خواهد کنترل را در دست بگیرد باید از بهترین صندلی صرف نظر کند؟ ما با ناتو^۱ (NATO) ارتباط نداشتیم تا این مشکل مهم را برایمان حل کند و فرزندانم مجبور بودند خودشان آن را حل کنند.

هر کس پیتزای خودش را می‌گیرد

بیابید مثال پیتزا را بررسی کنیم این مثال را به طور عملی در ارتباط با برادرزاده‌هایم دیدم. برادر و زن برادرم می‌خواستند دو نفری بیرون بروند و قرار بود پسرهایشان پیتزا سفارش بدهند. پسرها پول زیادی نداشتند،

۱. کشورهای عضو پیمان آتلانتیک شمالی

پس باید تصمیم می‌گرفتند که با آن بودجه محدود چه نوع پیتزایی سفارش بدهند. یکی پیتزاهای فلان مغازه را می‌پسندید و دیگری پیتزاهای مغازه دیگر را. یکی پیتزا با خمیر نازک دوست داشت و دیگری با خمیر کلفت. بر سر نوع پیتزا نیز با هم توافق نداشتند.

بگو مگو سرگرفت و برادرم مجبور شد مداخله کند: «یا مشکلتان را حل می‌کنید یا پیتزایی در کار نیست.» کمی بعد پسرها با همفکری یکدیگر پیتزا را سفارش دادند و هر دو کمابیش راضی بودند. به این می‌گویند مذاکره.

همه چیز را عادلانه تقسیم کنید

اگر خواهر یا برادری نداشتید که خواسته‌هایش را در نظر بگیرید، چگونه می‌توانستید مذاکره کردن بر سر این مسائل را بیاموزید؟ تک فرزندان باید برای آموختن مهارت‌های مذاکره کردن و چانه زدن به خارج از خانواده خود رو آورند. شاید هنگام رفتن به میهمانی مجبور شوند با دوستانشان شریک شوند، اما سرانجام به خانه خودشان باز می‌گردند و تنها می‌شوند؛ در صورتی که زندگی با یک هم‌شیر، بگو مگوها و حمله‌ها و ضد حمله‌های خودش را دارد.

مهارت دوم: عدالت

«این عادلانه نیست!»

تک فرزندان هر چه را که والدینشان می‌توانند به آنها بدهند، دریافت می‌کنند. ممکن است آنچه را دریافت می‌کنند با دوستانشان مقایسه کنند، اما کسی در کنارشان نیست که هفت روز هفته خود را با او مقایسه کنند؛ در صورتی که هم شیرها همیشه در حال مقایسه کردن هستند.

همه والدین با این عبارت آشنا هستند. «این عادلانه نیست.» بچه‌ها در پی این عبارت شکایت‌های گوناگونی را ابراز می‌کنند. بعضی از این شکایتها

جدی اند، مثلاً: «این عادلانه نیست، تو او را از من بیشتر دوست داری» و بعضی تقریباً خنده دار و جزئی اند، مثلاً: «این عادلانه نیست، برشتوک او از مال من بیشتر است.»

ایده آل هر بچه ای این است که از هر چیزی بیشترین سهم را ببرد؛ چه توجه کامل والدینش باشد، چه شکلات و پول توجیبی، چه حق انتخاب اول... اما بعید است که بقیه بچه ها این را بپذیرند، زیرا: «این عادلانه نیست.»

حق انتخاب بچه ها

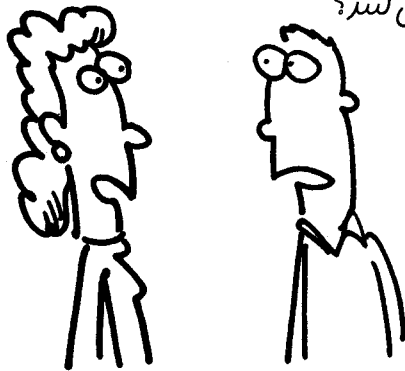
هنگامی که بچه ها باید چیزی انتخاب کنند، در ذهنشان چنین فرایندی شکل می گیرد: «می دانم که نمی توانم بلافاصله تمام چیزهایی را که می خواهم به دست بیاورم، بلکه باید خواسته های خواهرها و برادرانم را نیز در نظر بگیرم. پس... برای رعایت عدالت هم که شده، آنها نیز نمی توانند به تمام خواسته های خود دست یابند.» به همین دلیل هر یک از بچه ها به دقت بررسی می کند که خواهران و برادرانش چقدر سهم می برند و بدین ترتیب سهم همه عادلانه می شود.

وقتی بچه ها بزرگ تر می شوند و از این خواسته که باید با آنها به طور ویژه برخورد شود، دست می کشند؛ بر چیز دیگری پافشاری می کنند؛ اینکه با هیچ کس نباید برخورد ویژه شود. با همه باید دقیقاً یکسان رفتار شود. وقتی بچه ها دقت می کنند که هیچ کس بیش از خودشان سهم نبرد، کسی نمی تواند در مورد آنها مرتکب بی عدالتی شود!

همه والدین می دانند که باید با این مشکل بارها و بارها روبه روشوند. هم شیرها به صورت روزمره با هم در تعارض قرار می گیرند و فریاد سر می دهند که «این عادلانه نیست!» خیلی مشتاق نباشید که دخالت کنید. اگر بچه ها را به حال خود بگذارید تا راه حلی پیدا کنند، معمولاً از پس این کار برمی آیند.

◀ **نکته ای مهم:** خیلی مشتاق نباشید که به میان معرکه بپرید و تمام درگیرها را فیصله بدهید: اگر بچه ها را تنها بگذارید تا از توانائیهایشان استفاده کنند، اغلب شما را حیرت زده خواهند کرد، چون به سرعت می توانند مشکلاتشان را حل کنند.

آیا بپه های شما
هم دائمی با یکدیگر
رقابت می کنند؟



بله .
رقابت سر اینکله
کدامشان می تواند
اعصاب فردکن تر
باشد!

مهارت سوم: شریک اطلاعات و لذتهای هم باشید

«این راهها را رفته ام و این کارها را کرده ام!»

داشتن یک خواهر یا برادر بزرگ تر برای کودکی که اولین بار پا به مدرسه ای جدید می گذارد می تواند بسیار مفید باشد. هم شیر بزرگ تر می تواند به هم شیر کوچک تر بگوید که چگونه در حیاط مدرسه رفتار کند («از آن گوشه حیاط دوری کن، پسرهای خشن و قلدر آنجا بازی می کنند.»)، چگونه لباس بپوشد (و چه چیزهایی را به هیچ قیمتی نباید بپوشد!)،

چه «نوع ظرفی غذا قابل قبول است، مواظب کدام یک از آموزگاران یا دانش‌آموزان باشد. اگر در مدرسه‌ای بچه‌های زورگو وجود دارند، داشتن یک خواهر یا برادر بزرگ‌تر در همان مدرسه نعمت بزرگی به شمار می‌رود. در سالهای بعد نیز، وقتی بچه‌ها به سن نوجوانی می‌رسند، آنهایی که خواهر یا برادری از جنس مخالف خود دارند، به اطلاعاتی دسترسی دارند که هنگام برقراری ارتباط با جنس مخالف به نفع آنهاست.

تأثیر هم‌شیرها بر علائق شغلی همدیگر

هم‌شیرهای کوچک‌تر در بسیاری از اوقات برخی از علائق یا نگرشهای هم‌شیر بزرگ‌تر خود را کسب می‌کنند. این امر می‌تواند بعدها و هنگام انتخاب شغل بر آنها تأثیر بگذارد. دختر من دانشجوی رشته مهندسی مکانیک است. آیا او تحت تأثیر دوره‌ای قرار گرفته است که با برادر بزرگ‌ترش با لذت لگوبازی می‌کرد؟ به احتمال زیاد همینطور است. اگرچه آن بازیها بیشتر مناسب پسران بود تا دختران، اما هر وقت دخترم گیر می‌کرد، برادرش به او کمک می‌کرد تا اینکه دخترم نیز به اندازه برادرش مهارت پیدا کرد و دیگر به کمک او نیازی نداشت.

یکی خوب است... اما دو تا بهتر است

داشتن خواهر یا برادری که بتوانید با او حرف بزنید و بازی کنید باعث می‌شود کمتر در خانه احساس تنهایی کنید. بازی کردن در کنار هم از بازی کردن در تنهایی بهتر است. رفتن به استخر با خواهر یا برادران به مراتب لذت بخش‌تر از آن است که تنها با پدر یا مادران به استخر بروید، زیرا والدینتان فقط از شما می‌خواهند کارهای کسل‌کننده‌ای بکنید؛ مثلاً طول استخر را شنا کنید یا نحوه درست شیرجه زدن را بیاموزید. اما با برادر یا خواهرتان می‌توانید بازی کنید و خوش بگذرانید و در عین حال نیز شناگر ماهری بشوید.

مهارت چهارم: اتحاد

قدرت هم‌شیرها! پادزهر قدرت والدین

یک ضرب‌المثل انگلیسی می‌گوید: «کودکان و مادر بزرگ و پدر بزرگشان به طور طبیعی همدست یکدیگرند، زیرا دشمن مشترک دارند.» فرض کنیم که تنها ابزار کودکان برای چانه زدن با والدینشان، «قدرت به ستوه آوردن» آنهاست، پس دو، سه یا چهار فرزند، این کار را بهتر می‌توانند انجام بدهند، هنگامی که بچه‌ها می‌خواهند برای وضع قوانین جدید برای ساعت خواب، دریافت پول توجیبی بیشتر یا هر چیز دیگری، با والدین خود مذاکره کنند، اگر با هم‌شیرهای خود همدست شوند، می‌توانند در مقابل والدینشان یک تیم ترسناک تشکیل دهند.

هنگامی که خواسته‌های بچه‌ها منطقی است، اگر والدین (گهگاهی) تسلیم شوند، روحیه تیمی بچه‌ها برای رسیدن به خواسته‌شان به شدت تقویت می‌شود!

مهارت پنجم: مراقبت از یکدیگر

«اون سنگین نیست. اون برادر من است»

بچه‌ها اغلب برای هم‌شیرهای خود اهمیت زیادی قائل هستند و به آنها محبت زیادی نشان می‌دهند. هنگامی که دیویا^۱ سه ساله مریض بود، برادر هفت ساله‌اش سانجی^۲ کنار او نشست و از کتاب درسی خود برای او با صدای بلند می‌خواند. سانجی معنی چندتایی از کلمات را نمی‌فهمید و دیویا نیز معنی بسیاری از آنها را نمی‌دانست و داستان هم خالی از عیب و نقص نبود. مسلماً داستان هیچ اهمیتی نداشت. چیزی که اهمیت داشت این بود که برادر بزرگ‌تر کنار دیویا نشست و او را بغل

1. Divya

2. Sanjay

گرفته بود، برایش داستان می‌خواند و نسبت به خواهر کوچولویی که مریض حال بود، ابراز همدردی می‌کرد.

تناقض هم‌شیرها

حفظ اتحاد خانوادگی برای هم‌شیرها امر مهمی است. بسیاری از والدین می‌دانند که بچه‌هایی که در خانه با هم می‌جنگند، در دنیای خارج تا پای جان از هم دفاع می‌کنند.

مهارت ششم: حضور در خانه در کنار جنس مخالف

بدترین ترس، ترس از ناشناخته‌هاست

پسر من در کنار دو خواهر بزرگ شده بود و به همین دلیل دخترها هرگز برای او عجیب و ناشناخته نبودند. گرچه در مدرسه خود تنها با پسرها سروکار داشته است. اما احتمال اینکه در حضور دخترها مضطرب نشود، بیشتر از پسرهایی است که خواهر ندارند. اگر در ارتباط خود با دخترها مشکل پیدا کند، دو تا خواهر در خانه حاضر و آماده دارد که مانند خاله‌های مهربان به دردلهایش گوش کنند. در پس توصیه‌ها و راهنمایی خواهران او نیز دانش و اطلاعات درستی نهفته است! و البته از هر دست که بدهی از همان دست نیز می‌گیری: گهگاهی هم پیش آمده است که پسر خواهران خود را از توصیه‌ها و راهنمایی‌های بهره‌مند سازد!

و حالا برویم سراغ خبرهای بد

«دوست را می‌توان عوض کرد اما اعضای خانواده را نه»

بچه‌ها مجبورند با این موضوع کنار بیایند که پدر و مادرشان، پدر و مادر خواهر و برادرشان نیز محسوب می‌شوند و باید از محیط خانه، اسباب‌بازیها و تمام چیزهای دیگر به صورت مشترک استفاده کنند.

هرکس نیز نمی‌تواند به راحتی به این موضوع عادت کند. رقابت هم‌شیرها یک واقعیت است و ممکن است با بزرگ شدن بچه‌ها کم یا زیادتر شود، اما بسیاری از بچه‌هایی که در طول دوره کودکی با هم کارد و پینرند، هنگام بزرگسالی برای هم همراز و دوستانی خوب به شمار می‌آیند.

البته گاهی نیز حسادت‌ها از دوره کودکی فراتر می‌رود. در بعضی موارد حسادت چنان شدید می‌شود که تمام محیط خانه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در یکی از روزنامه‌ها، در ستون طرح مشکلات خانوادگی، نامه‌ای را خواندم که جمله اولش این بود: «پسر پانزده ساله من دو سال است که با دختر هفده ساله‌ام نه صحبت کرده است و نه تماس چشمی برقرار می‌کند.»

درباره رقابت هم‌شیرها چیزهای بسیاری نوشته‌اند و این موضوع برای بسیاری از والدین نگرانی بزرگی است. شاید شما به همین دلیل این کتاب را خریده باشید. هم‌شیرها با هم دعوا می‌کنند، سر به سر هم می‌گذارند و یکدیگر را آزار می‌دهند: در روابط بین هم‌شیرها، این مسائل واقعیت‌های روزمره را تشکیل می‌دهند، پس خوب است ما هم این واقعیت‌ها را بپذیریم.

می‌گویند بچه‌ها خودشان می‌توانند با هم کنار بیایند؛ امیدوارم!

پس مرز بین رقابت سالم هم‌شیرها و رقابت بیمارگونه کجاست؟ آیا از روزی که مامان و بابا نوزاد جدید را به خانه می‌آورند تا شریک خانه و خانواده شود، باید حتماً درون خانواده درگیری پیش بیاید؟ آیا بذر رقابت در همین روز کاشته می‌شود؟ آیا والدین می‌توانند کاری کنند که فرزندان بزرگ‌ترشان به راحتی از یکی یکدانه بودن دست بردارد و با هم شیر خود رابطه‌ای دوستانه برقرار کند؟